

آینه

کیم‌تان

سر مقاله: «پیام‌های متقابل بهارستان و یاستور»؛ احسان حسولو

جلسات بررسی صلاحیت وزیران پیشنهادی برگزار شد. تاکید آقای رئیس‌جمهور و وزیران پیشنهادی بر «بی‌پایب‌بودن ادعای تقلب در انتخابات ۸۸» و «اظهار برائت تمام وزیران پیشنهادی از فتنه؛ اثبات این مساله بود که در فضای عمومی جامعه نیز «گفت‌وتمان ضدفتنه» برتری آشکاری دارد.
عده‌ای اعتماد به گزیننه‌های معرفی‌شده برای وزارتخانه‌های «آموزش-وپروزش» و «علوم» حاکی از حساسیت بالای مجلس در خصوص تاکید رهبر انقلاب بر استمرار فضای علمی و شتاب پیشرفت‌های علمی کشور و جلوگیری از «آلوده‌شدن محیط‌های آموزشی و دانشگاهی به مسایل کم‌اهمیت و جنجالی به‌جای مسایل اصلی است... معرفی گزیننه‌های جایگزین برای وزارتخانه‌های بدون وزیر، چنانچه با منطبق معرفی گزیننه‌هایی با گرایش‌های مشابه گزیننه رای اعتماد نگرفته، باشد؛ درواقع یعنی قرار است مجلس تحت فشار قرار بگیرد و ضمن اینکه رای عدم اعتماد مجدد سخت‌تر و در واقع، ارسال سیگنال «عدم تعامل» مجلس با دولت منتخب تلقی می‌شود؛ دادن رای اعتماد نیز نقض غرض از رای‌دادن به گزیننه اولیه خواهد بود. به‌عنوان مثال این اتفاق اکنون با معرفی آقای توفیقی برای وزارت علوم رخ داده است.

ارادت

سر مقاله: «ما و دولت یازدهم»؛ حامد حاجی‌حیدری
اکنون، جوی از سرخوردگی و بالاکلیفی، با شاعف کاذب در عین ابهام آنچه خواهد شد، در میان مجموعه فعالان سیاسی جوان حاکم گردیده- حملان و حامیان پیام هشتاد و چهار، هر چند که از ابتدا می‌دانستند که در هزیمت سویه‌های منجراتی‌رفسنجاییستی در زمینه عدالت، فرهنگ، و سیاست خارجی چه کار دشواری را پیش دارند، ولی اکنون باور دارند که توش و توان و قدرت هاشمی و متحدان، به قدری است که نیروی توانمندی چون احمدی‌نژاد را به خستگی و تروتنی می‌افکنند. آنقدر علیه او پرسوده بی‌اثبات دروغ‌گویی و افسوس‌گری و رمالی و... می‌گشایند که محاسن او هم مایب به نظر برسند. البته همه تقصیر این وضع، بر عهده هاشمی یا کارگزاران نیست. واقعا نیست. شاید اگر تحریم‌ها به کمک نیامده بود، این کشور، راه خود را برای اصلاح سیاست‌های عصر کارگزاران در سه حیطه (۱) عدالت اجتماعی، (۲) سیاست‌های فرهنگی (۳) و سیاست خارجی، ادامه می‌داد حتی اگر گروه‌های سیاسی رقیب کارگزاران، از اصلاح‌طلب یا اصولگرا، می‌توانستند راه قاطع و قانع‌کنده‌ای برای حل بحران کشور پیشنهاد کنند، می‌شد کشور را بار دیگر به کارگزاران نسپرد. اما، مجموعه دلایل بیرونی و درونی، کشور را به تکرار بی‌برده گزیننه کارگزاران رسانده است... تشخیص آستانه‌های مشروع تعدیل واقع‌بینانه «آمان‌ها، از شون انحصاری فقیه جامع‌الشرایط، موسوم به «اولی فقیه» است- چنان مسلمان، می‌داند که فشار تحریم‌ها، در کنار فتنه منطقه‌ای، سیاست و تدبیر «عبور از بحران» را در کشور ضروری ساخته است.

بهار

یادداشت: «زنان در دولت تدبیر و امید»؛ فاطمه رحمتی

دولت تدبیر و امید و از تمامی وزرای کابینه روحانی که به توصیه ایشان به کارگیری زنان در معاونت‌های خود ملزم شده‌اند انتظار می‌رود در این انتصاب‌ها به وجود نگرش جنسیتی و داشتن دغدغه حل مشکلات زنان در انتخاب هم‌کار خود، اما از زن یا مرد، توجه داشته باشند. متأسفانه همان‌طور که قبل‌شاهد بودایم بعضی از زنانی که در پست‌های بالا خمت کرده‌اند خود به تقویت مشارکت اجتماعی و سیاسی زنان اعتقادی نداشته‌اند. شاید سکوت زنان نماینده در مجلس در جلسات رای اعتماد به وزرای کابینه یازدهم موبد همین نکته باشد که آنها فقط زن بودند بی‌آن‌که دغدغه مسایل زنان را داشته باشند. پس فقط حضور چند زن در پست‌های مدیریتی جهت ساکت‌کردن جامعه زنان و فعالان زن کافی نیست.



یادداشت: «روشنفکری و سیاست‌ورزی»؛ عبداللہ تنجی

مقوله روشنفکری که به داستان غم‌انگیزی در تاریخ معاصر ایران تبدیل شده است، یک شاخصه متمایز با سیاست‌ورزی دارد. به تعبیر دیگر خط قرمز روشنفکری ورود به قدرت است... چشم‌انداز اعتدال نشان می‌دهد که شاید به سرنوشت اصلاحات دچار شود. تغییر اصلاحات به سمت سکولاریسم و پروتستانیسم کشیده شود و اعتدال دکتر روحانی توسط روشنفکران به تفریط میل نماید. یعنی به بهانه مبارزه با افراط، از آن سوی سکوت بر شوند و اعتدال را به تیره آمریکا و محاکمه نظام جمهوری اسلامی تبدیل نمایند. با گفتمان اعتدال دهان نیروهای انقلاب را ببندند، سپس مسیر عبور از اعتدال را در سمت تفریط طین کنند و هرگز مقابل تفریط بایستند به تقلیل یا منتخب ملت و اعتدال متهم شود. همان بازی خدثی با حزب‌الله شاید به روحانی تحمیل شود.

اعتراض

یادداشت: «احزاب؛ شاخص توسعه‌یافتگی کشور»؛ حسین کاشفی

بهرتر است... احزاب بتوانند به تعالی برسند و موانعی که در دولت نهم و دهم برای احزاب ایجاد شده بود، رفع شود و احزاب بتوانند نقش و جایگاه خود را باز یابند و کارکرد خود را داشته باشند که در نهایت به مردم باز می‌گردد. چون مردم از این طریق حس می‌کنند خواسته‌اند و نظرات‌شان پیگیری می‌شود و گویی برای شنیدن وجود دارد.

هنر

وزیر ارشاد در دیدار با اهالی فرهنگ و هنر:

به شما هنرمندان اعتماد می‌کنم



علما، امیر خاوس، آیت‌الله

او یسادوری کردند. او گفت: «هشت‌سال کار در دولت آقای خاتمی و هشت‌سال اخیر که در کنارشان بودم باعث بروز این اشتباهات می‌شود.اما درست بعد از همین جمله بار دیگر نام خاتمی را به‌عنوان رئیس‌جمهور عنوان کرد. این بار هم حضار برزنند؛ هر چند دو رشته سینما و ادبیات نماینده‌ای نداشتند. او را تشویق کردند، این بار گفته: «اسم آقای خاتمی یا شما هنرمندان گره خورده است»

۳ وزیر در کنار هم

دریافت حکم وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بخش دیگری از این مراسم بود. «عباس سجادی» مجری این برنامه، در این بخش از حضور دو وزیر اسبق ارشاد خواست با حضور در روی صحنه این حکم را تقدیم وزیر کنونی کنند. «احمد مسجدجامعی» وزیر ارشاد دوره اصلاحات و «مصطفی میرسلیم» وزیر ارشاد دوره سازندگی، در کنار اسحاق جهانگیری و «الاله افتخاری» عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی، حکم یازدهمین وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی را به او تقدیم کردند.

جنتی: مدیران تنگ‌نظر را بر نمی‌گزینم

جنتی که آخرین سخنران این عصر فاگلگیری کننده آخر مرداد اهالی فرهنگ و هنر بود؛ سیاست‌زدگی را از آفت‌های عرصه فرهنگ و هنر دانست. او با اشاره به حضور گسترده هنرمندان در تالار وحدت گفت: «امروز در تالاری که وحدت نام دارد گرد آدمیای تا تازه وحدت همه‌جا صاحب هنر و فرهنگ را راسر دهیم» جنتی با استناد به بعضی از گفته‌هایش در مراسم رای اعتماد مجلس شورای اسلامی گفت: «همان‌طور که در جلسه رای اعتماد نمایندگان محترم مجلس گفتم، وضعیت فرهنگی کشور ما به‌رغم تمام تلاشی‌هایی که در دولت‌های قبلی صورت گرفته همچنان نامطلوب است. وقتی می‌توان به توسعه اقتصادی پرداخت که درک صحیحی از اثراتی که فرهنگ دارد به وجود بیاید.» گفته جهانگیری گفتمانی که در دولت یازدهم شکل گرفت با عنوان «تدبیر و امید» دو مولفه اصلی داشت که با شاخصه‌های مختلفی شناخته می‌شدند: «آقای روحانی سعی دارد به‌جای اینکه فرهنگ را دولتی کند، دولت را فرهنگی کند. به این ترتیب فرهنگ به معنای کامل کلمه در کشور مستقر می‌شود که بنایش این است که در توسعه ملی طوری حرکت کند که فرهنگ به جای سایه‌نشین بودن مدار اصلی توسعه باشد و صاحب‌منصبان فرهنگی مهم‌ترین و اصلی‌ترین کسانی باشند که با هدایت آنها بتوان به توسعه امور کشور پرداخت.»معاون‌اول دولت یازدهم در ابتدای صحبت‌های خود گفتند نام سیدمحمد خاتمی را به‌جای حسن روحانی برده به‌طوری که حاضرین جلسه با هم این اشتباه کلامی را به

غلامحسین امیرخانی

هنر، سفیر اول

طی هشت‌سال گذشته تالار وحدت جلسه‌ای با این‌ی وزن و اعتبار ندیده بود. جای خوشحالی و امیدواری است که اهالی فرهنگ و هنر امروز با وزیر خود دیدار و مسایل خود را مطرح می‌کنند. باید یسادوری کنم که مدت‌هاست کلام یا گفتمانی در اندازه ایران فرهنگی نشنیده بودیم؛ آن هم ایرانی که در قله سخن و ادب قرار دارد. اما اکنون بسیار خوشحالم که از زبان حسن روحانی رئیس دولت یازدهم، سخن از ادب شنیدیم. تاکید بر اعتدال و تدبیر در کلام رئیس‌جمهور بیش از هر عنوان دیگری نمایان بود. ما باید با فرهنگ و هنر خود با دنیا صحبت کنیم و من امیدوارم که این اتفاق در دولت جدید رخ دهد. مردم ایران در طول تاریخ الماتر میراث گرفتار هنری ایران بوده‌اند و آن را تا به امروز حفظ کرده‌اند. زمانی که حمایت شوند درخشش بیشتری خواهند داشت و اگر حمایت نشوند در پنهان این امانت را دوباره حفظ خواهند کرد. امروز دارای بضاعتی هستیم که آن‌چو که باید قدر دانسته نشد. سفیر اول ما هنر و فرهنگ است و به‌گونه‌ای راه کمال را پیموده که صورت و معنا را با هم جمع کرده است. هر هنرمند ایرانی می‌تواند نام سرزمین خود را از فرش به فرش ببرد.

و اهالی نشر است. بعد از سال‌های انقلاب اسلامی شاهد درخشش نیروهای خلاق بودیم اما به‌دلیل اقتصاد ضعیف صنعت نشر، بروز و ظهورشان با مشکل مواجه شده است. یکی دیگر از مسایل مهم، معایبت مالیاتی ناشران است که آخرین مرحله کاری خود را طی می‌کند و امیدواریم به تصویب رسیده و ابلاغ شود. قابل ذکر است که تعداد کتابفروشی‌های رسمی در تهران ۵۰۰ کتابفروشی است. با توجه به شرایط جاری و تحریم‌هایی که بر کشور تحمیل

خانواده جای عضو دیگری را تنگ نخواهد کرد.» جنتی به عرصه دیگر هنری که در این مراسم نماینده‌ای نداشتند، یعنی سینما اشاره کرد: «سینمای ایران روزگار سختی را می‌گذراند، سینمای ایران سال‌ها در اوج بوده و فیلم‌های ایرانی شهر به شهر می‌گشتند و پیام معنویت ما را به کام دنیا می‌چشانند. فیلم‌های ایران صدرنشین جشنواره‌ها می‌شدند، سینمای ما ریشه در هزاران سال شعر و ادب دارد. در شرایط دشوار سیاسی و اقتصادی، سینماگران ما پنجره‌ای برای معرفی ایران گشودند و من به سینمای ایران بار دارم. سازمان سینمایی با نگاهی برابر و با احترام به همه سلیقه‌های کوشد همه اعضای این خانواده بزرگ را دور هم جمع کند. برخی اختلاف‌ها قابل قیلم است.»وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ریشه بخشی از مشکلات را در نگاه یکسنگ‌گرانه و برداشت‌های سیاسی برخی از مدیران دولتی به موضوع سینما دانست. ممیزی یکی از مسایلی بود که در چند هفته‌ای که نام علی جنتی به‌عنوان وزیر فرهنگ و ارشاد قطعی شده به آن پرداخته شده است. جنتی که در مصاحبه‌هایش از حذف ممیزی پیش از چاپ گفته بود؛ در این مراسم گفت: «ما راهی جز سهولت بخشیدن به ممیزی و گشودن این عرصه نداریم. ممیزی دست نویسندگان توانا را کزخت می‌کند. ممیزی قانونی، حق حاکمیت است و تلاش می‌کنیم با مشورت ناشران و اصحاب رسانه و صاحب‌نظران عرصه نشر راهی برای برون‌رفت از این مشکلات پیدا کنیم.»وزیر ارشاد از اهالی فرهنگ و هنر خواست که عقاید گروهی را بر عقاید فردی راجحیت بدهند و باهم عهد ببندند که روحیه هم‌اندیشی و نقدپذیری را در نظر بگیرند و راستگویی، سرحله کارشان باشد.

معرفی معاونان: به‌رزودی

اما این صحبت‌ها تنها حرف‌های علی جنتی نبود. او بعد از جلسه در جمع خبرنگاران بار دیگر به حوزه سینما اشاره کرد و گفت: «در حوزه سینما قطعاً مدیری جایگزین خواهد شد که هم این حوزه را خوب بشناسد، هم در بین اهالی سینما محبوبیت داشته باشد» و هم با تدبیر با جریان‌های مختلفی که در حوزه سینما هستند با ارتباط برابر بتواند برخورد کند و از همه سلیقه‌هایی که در این حوزه وجود دارد، حمایت و پشتیبانی کند.» در مورد معاونان دیگر هم گفت: «بر برخی موارد به نتیجه رسیدیم و بر برخی موارد هم در حال مطالعه هستیم و ان‌شاءالله در آینده نه‌چندان دور اعلام می‌کنیم.»وزیر ارشاد درباره برآیندش از این جلسه گفت: «صحبت‌های مطرح‌شده را شنیدیم. ما باید ابتدا مجموعه چالش‌های مختلف در حوزه‌های مختلف فرهنگ و هنر را شناسایی کنیم و بعد، راه‌حل‌هایی را پیدا کنیم. با توجه به سیاست‌هایی که دولت تدبیر و امید دارد برای تقویت فرهنگ و هنر در جامعه و گسترش اقتصاد و فرهنگ و توان‌بخشیدن به همه این عرصه‌ها، بسیار امیدوار هستم. در شرایط بسیار سخت و دشواری که از نظر اقتصادی داریم در حوزه فرهنگ و هنر می‌توانیم نشاطی را برای اقشار و لایه‌های مختلف جامعه ایجاد کنیم تا با روحیه بالاتر بتوان این فرهنگ دیرپای کشورمان را به دنیا عرضه کنیم و ما هم از اصحاب فرهنگ و هنر در لایه‌های مختلف اجتماعی‌مان استفاده کنیم.»جنتی همچنین به تدوین برنامه‌سرتوز به‌ر وضعت سینما اشاره کرد: «برنامه‌ای در حال تدوین است و این برنامه باید کاملاً واقع‌گرایانه باشد. باید سخنی بگوییم که طرف چند روز بتوان عمل کرد. در حوزه‌های مختلف، کارهایی را که می‌شود ظرف این صدورز انجام داد را آماده می‌کنیم و امیدوارم آقای رئیس‌جمهور هم در پایان این صورت‌و‌زقی خواستند گزارش بدهند خبرهای خوبی از حوزه سینما و فرهنگ داشته باشند»

ایرج راد

تئاتر، هنر مظلوم

می‌خواهم در اینجا از هنر تئاتر صحبت کنم؛ هنری که در همه این سال‌ها به قول بسیاری از بزرگان هنری مظلوم واقع شده است. از مظلومیت هنر تئاتر همین بس که در صحبت‌های کاندیداهای یازدهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری کلمه تئاتر تنها سه‌بار عنوان شد. حتی در برنامه علی جنتی، وزیر ارشاد که بارها آن را خوانده‌ام فقط یک‌بار، کلمه تئاتر در برنامه مدون وی مطرح نشده بود. این تئاتر هنر نمایشی و مادر است ولی متأسفانه همواره در کشور مورد کم‌لمطبی قرار گرفته‌است. این در حالی است که اگر ما سینمایی داریم که باعث افتخار است یا آثار ارزشمندی در تلویزیون ساخته می‌شود حتما ردپای آن‌ها تئاتر در آن وجود دارد. ولی متأسفانه حمایت از تئاتر به ضعیف‌ترین شکل ممکن رخ داده است. در سال‌های اخیر یکی، دو سال جدید به فضای تئاتر کشور افزوده شد. اما هیچ سالی در این سی و چند سال به تئاتر اضافه نشده در حالی که سالانه ۷۰۰۰ تئاتر هزار نفر فارغ‌التحصیل تئاتر داریم که اشتغال‌زایی برای آنها انجام نشده است. اگر تئاتر داریم به دلیل ایستادگی هنرمندان یاشرف است.

تهران است که با توجه به عمر ۲۶سال‌ه‌اش به خیزش فرهنگی تبدیل شده است و انتظار می‌رود در مورد مکان آن فکری اساسی شود. تقاضا دراز در حیات خرید کتاب وزارت ارشاد نماینده‌ای از ناشران هم حضور داشته باشد. در دوران آقای احمد مسجدجامعی کی شورای مشورتی شکل گرفته بود که حداقل ۲۰۰ ژورنل بار تشکیل جلسه می‌داد. نقش این شورا در این سال‌ها کم‌رنگ شده است و تصمیم‌ها اصولاً یک‌سویه بوده‌اند. خواهش‌مندیم این شورا دوباره شکل بگیرد.

ادامه از صفحه ۶

احمدزاده بهترین رئیس بود چون کاری نکرد

آقای ولی‌استدلال‌شان این بود که منتقدان ما سیاسی عمل می‌کنند و برای تحلیل عملکرد باید به آمار نگاه کنید، آمارهایی که می‌دادند هم اینگونه بود. قبل از سال ۸۴ فقط هفت اثر ایرانی در یونسکو ثبت شد در این هشت‌سال اما تعداد آثار به ۱۶ اثر رسید، همینطور درباره ثبت ملی قبل از سال ۸۴ فقط ۱۱ هزار اثر ثبت شده بود اما حالا تعداد آن به بیش‌تر از ۳۰ هزار اثر رسیده است، نظرتان درباره این آمار چیست؟

مثل این است که گفته شود در یک بیمارستانی عمل‌های زیاد انجام می‌شود اما نه توسط دکتتر جراح و توسط قصاب. ثبت جهانی فعالیت بود که از سال ۷۸ شروع شد و طبیعاً باید سالی یک اثر به ثبت می‌رسید. این خیلی کار بزرگی نیست، ثبت جهانی یک سال با هفت‌هزاره رشد به‌خاطر مانعیت همین مدیران سازمان.

آقای سالی بود و در چه موردی مخالفت کردند؟

در دوره آقای «بقایی»، چون شناخت نداشتند نگذاشتند ثبت جهانی بشود، مردد بودند، هنوز نمی‌دانستند ثبت جهانی چه نفع و اهمیتی دارد. بعدها که این ثبت جهانی تداوم داشت هم توسط دکتراطالیبان» صورت می‌گرفت که در نهایت ریاضت و تنهایی به‌عنوان تنها کسی که از قبل مانده بود انجام می‌شد. اگر طالیبان کنار گذاشته می‌شد حتی این ثبت جهانی هم اتفاق نمی‌افتاد. اینکه افتخاری ندارد، ثبت جهانی این نیست که فقط برویم یک اثر را ثبت کنیم، بعد از آن یک تکالیفی هم داریم که باید درباره این آثار انجام دهیم. کو انجام این تکالیف؛ پایگاه‌هایایدیورپویمان بشود در آن فعالیت علمی انجام شود، بروید نگه کنید کدام پایگاه فعال است؟ کل داستان این شد که آقای طالیبان پرونده را آماده کند، اثر ثبت جهانی شود، بعد آقایان یک جشن مفصل می‌گرفتند و به خودشان مدال می‌دادند و تمام. کل درک آنها از ثبت جهانی در همین حد بود.

درباره افزایش چشمگیر آثار ثبت‌شده ملی چطور؟

درباره ثبت ملی هم به شکل پوششی شروع شد و حجم آن یکباره زیاد شد، اما انجام هم باید یکسری تکالیف انجام می‌شد. کو انجام دادن آن تکالیف؛ صرف اینکه یک پرورنده تهیه شود و یک مهر بخورد چه فایده‌ای دارد؟ بروید ببینید به آثار ثبت جهانی و ملی چه برخوردی می‌شود، باغ فین کلانان ثبت جهانی شده اما درختان آن چه جالی دارند؟ یا اثر تاریخی که نمی‌شود اینگونه برخورد کرد، باید ترسید از اقداماتی که اینها می‌کردند، کاش در این مدت هیچ فعالیتی نمی‌کردند، یعنی اگر بیمار به حال خود‌ها می‌شد بیشتر عمر می‌کرد تا اینکه توسط قصاب جراحی می‌شد. نگه کنید به این وضعیت شمول و خودتان قضاوت کنید مثلاً در حوزه پژوهشی که نمی‌توانید کار را بنه‌ان کرد، چه کار پژوهشی خاصی انجام دادند که بشود به آن افتخار یا حتی اشاره کرد؟

در این هشت‌سال سازمان پنج رئیس را در اس خود دید، می‌توانید از زاویه نگاه خودتان به لحاظ بهترین یا بدترین عملکرد یک جمع‌بندی یا تحلیلی از نتیجه کار این پنج‌نفر ارائه‌دهید؟

استنباط من این است که بدترین دوران، دورای بود که آقای بقایی همه‌کاره سازمان بود، چه در دوره ریاست «مثنای» که ابقایی» قائم‌مقام سازمان بود و چه دورای که خودش رئیس سازمان شد. بهترین دوره هم دورای بود که «احمدی» رئیس سازمان شد.

آقای احمدزاده منظورنات است، عجب‌اچطور دوره او را بهترین می‌دانید؟

چون تقریباً هیچ کاری نکرد، به همین دلیل به نظرم دوره او خیلی خوب بود. آقای «موسوی» هم خیلی تلاش کرد که سازمان را به وضعیت قبل از ۸۴ بر گرداند اما نتوانست. چون همه عصر مدیریتی‌اش کوتاه بود و هم خیلی چیزهایی که تخریب شد را نمی‌شود دوباره به حالت اول برگرداند. آقای مشایب هم که تقریباً در سازمان نقش چندانی نداشت و بقایی همه‌کاره بود. ملکزاده هم ابتکار عمل جدیدی از خودش نداشت، از هر کدام از مدیران قبلی یک چیزی را گرفته بود و اجرا می‌کرد، جالب اینکه آن چیزی هم که گرفته بود نکات و ویژگی‌های خوب نبود.

به‌صورت میانگین اگر بخواهیم حساب کنیم، عمر دو مدیریتی در سازمان در این هشت‌سال، یک‌سال‌وشش‌ماه بود، آیا این دوره‌های کوتاه‌مدت هم در کاهش کیفیت اداره سازمان نقش داشت؟

در دستگاه‌هایی مانند سازمان میراث‌فرهنگی دوره کوتاه مدیریتی اساساً بی‌معنی و مسلولی با تخریب است. مثلاً در فرانسه مدیر مزه لوور شغلی دارد که به لحاظ پرسنژی و جایگاه شغلی نفر ششم است. کشور است، مدیر کنونی این مزه وقتی انتخاب شد که مدیر قبلی از دنیا رفت در دوره شریک انتخاب شد. در دوره کارگوزی سرکار بود. الان هم در دوره فرانسوا اولاند، سر کارش است. انتخاب او هم دست رئیس‌جمهور است ولی این سمت مهم قربانی سیاست‌ها نمی‌شود، اینکه در کشور ما در زمان یک رئیس‌جمهور برای سازمان میراث‌فرهنگی کنیز رئیس انتخاب می‌شود این یعنی تخریب. یعنی شما اگر برای تحلیل وضعیت سازمان میراث‌فرهنگی فقط همین یک مولفه را هم در نظر بگیرید می‌فهمید در این هشت‌سال این سازمان تخریب شده است.

آگر بخواهیم هم پنج رئیس سازمان میراث‌فرهنگی در هشت‌سال گذشته را در یک ویژگی مشترک بدانیم نزدیک‌ی زیاد آنها به رئیس بوده، به نظر شما چه دلیلی داشت که آقای احمدی‌نژاد سازمان تخصصی‌ای مثل میراث‌فرهنگی را به دوستان نزدیک خود می‌سپرد؟
به نظر من چند دلیل داشت؛ اول اینکه این سازمان به مجلس پاسخگو نبود، دوم اینکه مسوولیت‌های مرتبط با موضوعی نبود که نان و آب مردم دست‌سخت باشند. مثل وزارت نیرو و صنایع و بازرگام، به نظر‌شان یک چیز فائزتری بود. در واقع اینجا به آنها خوش می‌گذشت به جایی هم پاسخگو نبودند. به‌نظرم آنها سازمان را مثل گوشت خورش محسوب می‌کردند، به همین دلیل این گوشت باید به دوستان خیلی نزدیک می‌رسید. اینگونه شد که تبدیل شد به حیاط‌خولت این آقایان.